

امام هادی (ع):

به جای حسرت و اندوه برای عدم موفقیت‌های گذشته، با گرفتن تصمیم و اراده قوی جبران کن.

(میزان الحکمه، ج. ۷، ص. ۴۵۴)



جشنواره فیلم فجر هم تمام شد و صفحات هنرمندانی که به هر شکل و نوعی در این جشنواره حضور داشتند شروع کردند به نوشتن درباره متن و حواشی این جشنواره. برخی خیلی خوشحال و برخی هم ناراحت. مثل همیشه. تئاتری‌ها هم که این روزها، کم کم وارد ایستگاه پایانی جشنواره چهلیم فجر هستند هم حضوری پررنگ در اینستاگرام دارند.

■ **چهره ها**

نادر سلیمانی هم که سیمرخ بهترین بازیگر مکمل جشنواره فیلم فجر را از آن خود کرد عکسی با این سیمرخ روی اینستاگرام خود گذاشت و نوشت: «بماند به یادگار. شادی امشیم رو به مردم پاک و نجیب سرزمینم تقدیم می‌کنم که در این سی سال کار هنری چیزی جز محبت و احترام از شون ندیدیم، دم همه رفقای که با پیام‌ها و تماس‌ها شون خوشحال‌ترم کردن گرم.»

نرگس آبیار کارگردان فیلم‌هایی مثل «شیار ۱۴۳» و «نفس» در اینستاگرامش از فیلم «درب» نوشت: او این فیلم را یک شعر ناب لقب داد و نوشت: «فیلم «درب» ماندن یک شعر ناب است، اگر چه ریتم فیلم بنا به فرمی که فیلمساز برگزیده، کند است اما تاسمرف ساده و بی‌پای تصاویر باعث می‌شود بیننده از پرده چشم برندارد. فیلم فرصت می‌دهد که تماشاگر خلوت کند و همراه با شخصیت مأمور اداره برق لحظه‌های زیبا و انسانی در طبیعت بکر را زندگی کند. همه ما گاهی باید با تماشای چنین فیلم‌هایی به خودمان بازگردیم.»

کوروش شالمونه کارگردان نمایش «مانستر» که در جشنواره تئاتر فجر هم اجرا رفت در پستی اینستاگرامی از همکاران خود تشکر کرد. او نوشت:«مخاطب برای‌مان در جشنواره اهمیت بالاتری از رقابت داشت. من می‌دانم که چه سخت جنگیدن برای تئاتر و چه سخت کوشیدن برای بقای بازیگری و چه سخت است.» او در ادامه این پست از تک‌تک کسانی که او را در طول این اجرا‌چه درجشنواره و چه پیش از جشنواره یاری کردند تشکر کرد.

شهرزود لرد افکار هم در اینستاگرامش از شروع کارگاه‌های «تنفس صدا و بیان» در تئاتر خبرداد و نوشت: «در این دوره که ۱۵ جلسه به طول می‌انجامد آموزش‌های کامل بیان تنفس و صدا (کار روی دستگاه تنفسی و راحتی بدن، آکسان، ریتم، نت صدایی، لحن صدا، افزایش حجم تنفس، برخورد با متن، تقویت اندام گفتاری …) داده خواهد شد و در پایان این دوره اجرای نمایشنامه‌خوانی در یکی از سالن‌های معتبر برگزار خواهد شد.»

امید گلزاده طراح گریم فیلم «برف آخر» هم در اینستاگرام خود از خوشحالی‌اش بابت موفقیت‌های این فیلم در جشنواره فجر نوشت. او در سطرهایی کوتاه آورد: «تا اینجاخ ش هم خدا رو شاکرم، برای داشتن تمام نعمت‌هاش که موجب آرامش و قوت قلبیمه. برای داشتن خانواده عزیزم، برای داشتن تیم درجه یک، برای داشتن رفیق‌های نازنینم. این اتفاق رو مدیون همراهی و تلاش تک‌تک شما مهربانان هستم.»

■ **تازه های نشر**

مؤسسه فرهنگی هنری خوانش کتابی را در صفحه اینستاگرامی اش معرفی کرد و نوشت: «تئاتر مستند» به گردآوری و ترجمه محمد منعم، مدرس کارگاه «نمایشنامه‌نویسی» تئاتر مستند این روزها یکی از انواع رایج تئاتر در نقاط مختلف جهان است. از زادگاهش آلمان گرفته تا امریکا و حتی آفریقا شاهد انواع تئاتر مستند هستیم. اما ما درباره تئاتر مستند چه می‌دانیم؟ کتاب «تئاتر مستند» مجموعه مقالاتی است درباره این نوع از تئاتر که از منابع مختلف، معتبر و به روز این حوزه، گردآوری و به فارسی برگردانده شده است. در این کتاب سیر و تحول تئاتر مستند از زادگاهش آلمان تا دیگر نقاط جهان که امروزه این نوع از تئاتر در آنها رایج است، بررسی می‌شود.

معرفی کتابفروشی قدیمی در ایروان ارمنستان مطلبی است که مجید جلیسه نویسنده و پژوهشگر در صفحه خود آورده است: «تقریباً ساعت ۹ پیاده به سمت گنجینه ماتاداران به راه افتادم. مسیر محل اقامت من تا این گنجینه حدود ۱۰ کیلومتر بود. گوگل مپ مرا همراهی می‌کرد و من کوله بر پشت و دوربین به دست سلانه سلانه این مسیر را می‌رفتم. حوالی ظهر به انتهای خیابان مسروپ ماشوتوس (Mesrop Mashtots) و نزدیکی ماتاداران رسیده بودم که چشمم به یک کتابفروشی با اسمی کاملاً متفاوت افتاد: کتابفروشی ۱۵۱۲.کتابفروشی قدیمی با فضایی زیبا و هنری که مجموعه‌ای از کتاب‌های آنتیک و قدیمی و جدید در گوشه گوشه آن در قفسه‌های چوبی زیبای منبت کاری شده جای گرفته‌اند.

انتشار کتاب تخیلی «چرخ زمان» در صفحه بهرنگ مافی مترجم آماده است. او در صفحه خود خبر از انتشار هفتمین کتاب چرخ زمان داد و نوشت: «بخش نخست از جلد چهارم مجموعه اصلی، به جمع کتاب‌های ترجمه شده اضافه شد و از روز سه شنبه ۲۶ بهمن، می‌توانید از سایت انتشارات پریان آن را تهیه کنید.»

مشکل بود چه نداریم

حسین مسافر آستانه: با کار کارشناسی دقیق و تطبیق استاندارد بودجه این جشنواره بر مبنای سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر (۱۳۹۹) به‌علاوه افزوده شدن بخش تئاتر ملل در گام چهلیم نسبت به دوره پیشین که جشنواره به شکل ملی برگزار شد؛ در نهایت به عدد ۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به‌عنوان بودجه فجر چهلیم رسیدیم. تا به امروز که بیش از نیمی از ایام جشنواره چهلیم تئاتر فجر را پشت سر گذاشته‌ایم بخشی از بودجه بنا به وعده‌ای که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از پیش مطرح کرده بود در اختیار دبیرخانه قرار گرفته و تا این لحظه مشکل بودجه نداشته‌ایم و جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در گام چهلیم مشکل بودجه نخواهد داشت.

از صحبت‌های دبیر چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با ایرنا



دیداری برای یک تحول بزرگ

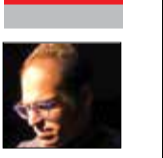
دیدار رئیس جمهور از موزه هنرهای معاصر تهران و گفت‌وگو با هنرمندان تجسمی اتفاقی مبارک و بزرگ بود که به پنج دلیل می‌توان از آن به تغییر راهبردی تعبیر کرد که تأثیراتی بنیادین در جامعه هنری به جای گذارد.

اول: هنرهای تجسمی بخصوص هنرهای ایرانی اسلامی، مایه مباحثات تاریخی ایرانیان است اما سالیان دراز است بزرگان، توجه شایسته به این حوزه ندارند، کافی است بودجه‌های دولتی و توجهات رسانه‌ای به این حوزه را با دیگر بخش‌های هنر مقایسه کنید. این دیدار تاریخی به حتم یک تغییر نگاه معنادار و در راستای تحقق عدالت فرهنگی است که در زمره اهداف دولت سیزدهم است؛ بویژه اینکه اگر دیدارهای محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را از روز نخست وزارت رصد کنیم، این ریل‌گذاری متفاوت خود را عیان می‌کند. هنرهای تجسمی در محاق مانده ایرانیان بویژه با خاستگاه اصیل در دنیا شهره است و بزرگ‌ترین موزه‌های دنیا به داشتن چند برگ خط و خوشنویسی سنتی ما می‌بالند اما در مملکت خویش عزلت‌نشین شده است؛ کسی نمی‌تواند شایستگی و اهمیت وجودی دیگر هنرها را منکر شود اما در هنرهای تجسمی آثار هنری با قابلیت کلای سرمایه‌گذاری خلق می‌شود که گاه پس از گذشت یک قرن تازه جهانشمول می‌شود و هزاران افسوس که همه این پتانسیل بزرگ در سال‌های اخیر نادیده انگاشته شده است. حالا با برنامه ریزی هدفمند وزیر محترم و دیدار چهارشنبه رئیس جمهور از یک نمایشگاه تجسمی که اتفاقاً عمر بسیاری از آثار آن نزدیک به نیم قرن است توجهات افکار عمومی را به خود جلب کرده است.

دوم: اغلب دیدارهای رؤسای محترم جمهور گذشته با هنرمندان به ضیافت‌های افطاری محدود بود که به وضوح سلبریتی‌ها و چهره‌های سینمایی در آن پررنگ‌تر بودند و هنرمندان تجسمی کم‌شمار و حتماً حاشیه‌نشین.

سوم: حضور رئیس جمهور در یک رویداد هنری در یک دهه اخیر به

بودها و نمودها



علیرضا نراقی

منتقد

وقتی با همه کم و کاست و اختلاف نظر‌ها، برآیند تولید یک سال سینمای ایران را در جشنواره فیلم فجر می‌بینیم، آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که مجموعه فیلم‌های ایرانی جدای از نقاط قوت و ضعف منحصر به فرد و خاص خود، از مشکلاتی مشابه و تکرار شونده رنج می‌برند. اغلب در طول دیدن متوالی آثار یا خود فکر می‌کنم که این مشکلات مشابه از کجا می‌آیند. به تربیت سینمایی در ایران باز می‌گردد؟ جواب منفی است؛ چون آموزش و زمینه پرورشی و وجود برای همه فیلمسازان وجود ندارد و هر فیلمسازی خاستگاه و روند رشد خاص خود را داشته و به روش خود موفق به فیلمسازی شده است. آیا به فضای سینمای ایران و کار در آن باز می‌گردد؟ این هم نمی‌تواند درست باشد؛ چون فضای هر فیلمی مختص به خود است و اصولاً فضای آثار و کار در سینمای ایران متفاوت و متکثر است. خاستگاه‌های فردی و تولیدی در سینمای ایران اگرچه اغلب وابسته به دولت و منابع عمومی هستند، اما یکسان و متشکل نیستند و دیدگاه‌ها و رویکردها دست‌کم در ظاهر متنوع است. نهاد‌هایی هم که فیلم تولید می‌کنند و گرایش و شناخت تهیه‌کنندگان اعم از خصوصی و دولتی درباره سینما یکسان نیست. پس این مشکلات مشابه در کجا ریشه دارد؟

شاید یک نمونه از مشکلات مشابه در این میان کمک کننده باشد. اغلب آثار سینمای ایران در چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر با مشکل انحراف از ایده و سردرگمی در به ثمر رساندن ایده خود، خاصه در یک سوم پایانی رنج می‌برند. بخش عمده‌ای از آثار میانی و متوسط جشنواره با یک ایده آغاز و با ایده‌ای دیگر به پایان می‌رسیدند. به همین دلیل اغلب دچار ایده‌کشی و یا دست‌کم کامل نشدن ایده اولیه بودند. ایده به ثمر نرسیده هم مثل تجربه فرزند گم شده است، هم هست و هم نیست. هم تجربه است و هم تجربه کاملی از آن اراده ابتدایی نیست که شناخت دقیق و روشنی را به فرد تجربه کننده عطا کند. این خاصیت بنیابینی را بیش از هر چیز در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و زندگی اجتماعی امروزمان می‌توانیم ببینیم. بله آن بستر مشترکی که مشکلات مشترکی را به بار می‌آورد جامعه است. همه این فیلمسازان با وجود خاستگاه طبقاتی مختلف، روند رشد و پرورش متفاوت، کار در فضاها و زمینه‌های متمایز و همچنین فردیت و دیدگاه منحصر به فرد، در زیست جمعی و موقعیت تاریخی اجتماعی مشترک هستند. پس آثار آنها در کنار هم با همه نقاط ضعف و قوتی که دارند، مینیاتوری از جامعه هستند. مینیاتوری از نقاط ضعف و قوت جمعی ما که در خصوصیات و درونیات فردی هم ریشه دوانده و به طور ناخودآگاه نمایان می‌شود. مثل رنگ، نور، شکل طبیعت، آداب و باورهایی که در هر جغرافیایی ویژگی‌های خاص خودشان را دارند. برخی خصوصیات فردی در نسبت با زمینه اجتماعی شکل می‌گیرند و با وجود فردی بودن در اکثریت افراد جامعه تکثیر می‌شود. سینمای ایران با مجموعه خوبی‌ها و بدی‌هایش، نمایی از ماست پس شاید نیاز داریم خود را ببینیم و از خود بیرسیم ما کجا ایده‌ایمان را ناقص رها می‌کنیم؟

نگاهی به دفتر بیست‌ و پنجم «طنز آوران جهان نمایش»

«با پایان جنگ جهانی دوم و استقرار حکومت کمونیستی در چکسلواکی و پیوستن این کشور به بلوک شرق و آغاز بازسازی کشور، فصل جدیدی در هنر تئاتر چک آغاز می‌شود. اینک نسل نوجوان و جوان جامعه، تشنه آزادی بیان و احیای فرهنگ ملی، جذب اندیشه‌های نوجوانانه و آزادی‌خواهانه حزب می‌گردد. بیشتر نویسندگان و هنرمندان جوان ده پنجاه سده پیشین اعضای فعال حزب هستند: فرانیتشک پاولیچک (۱۹۲۳-۲۰۰۴)، آرموشک لوسیتگ (۱۹۲۶-۲۰۱۱)، پاول کوهوت (۱۹۲۸) میلان کوندرا (۱۹۲۹-)، ایوان کلیما (۱۹۳۱-)، یوزف توپول (۱۹۳۵-۲۰۱۵)، واتسلاواهل (۱۹۳۶-۲۰۱۱) و… اما همگی آنها آرام آرام طی دهه شصت در مقابل خودکامگی‌های حزب قد علم می‌کنند و آثارشان رنگ و بوی «سیاسی» به خود می‌گیرد. جملگی آنها در «بهار آزادیبخش پراگ» (از پنجم تا نهمه اوت همان سال) شرکت می‌جویند و پس از ورود ارتش پیمان ورشو به پراگ (در شامگاه بیستم اوت ۱۹۶۸) و استقرار حکومت نظامی در چکسلواکی و فروپاشی دولت سوسیالیستی «الکساندر دوپچک»، بسیاری از هنرمندان تئاتر و اندیشمندان عرصه ادبیات با مشکل روبه‌رو می‌شوند. در «تئاتر سیاسی» این دوران (از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰) آثار باارزشی از به اصطلاح «کمدی سیاسی» را می‌توانیم ببینیم که در دفتر بیست و پنجم «طنز آوران جهان نمایش» به گردآوری و ترجمه «داریوش مؤدبیان»، از دو نویسنده بزرگ و صاحب‌نام، دو کمدی آورده شده است: «پاول کوهوت (جنگ در طبقه سوم) و واتسلاو هاول (گاردن پارتی).»



- طنز آوران جهان نمایش(دفتر بیست و پنجم، جنگ در طبقه سوم، جشن در هوای آزاد)**
- نویسندگان: پاول کوهوت/ واتسلاو هاول**
- گردآورنده، پژوهشگر و مترجم: داریوش مؤدبیان**
- ناشر: نشر گویا**

عکس نوشت

روز گذشته اجراهای گروه سرود نورمشکات به سرپرستی محمدرضا عابدی به مناسبت سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر هم‌زمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد.

نورمشکات با حضور ۲۵ نوجوان باره سنی ۱۲ تا ۱۶ سال از سال ۹۱ فعالیت خود را آغاز و تا امروز ۳۵ اثر تولید و همچنین ۴۰ اثر را بازخوانی کرده است. این اجراها در بخش جنبی سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر ۱۶ اجرا در بخش سرود دارد که ۲۶ تا بهمن ماه ادامه خواهد داشت.



همین که دنیای خصوصی خودتان را بهتر کنید، خدمت بزرگی کرده‌اید.

آلفرد آدر

شناخت طبیعت انسان

مدیریت زندگی روزمره/۲

چگونه واکنش‌های مسئولانه را جایگزین واکنش‌های احساسی کنیم!

یکی از برنامه‌هایی را که برای خود و خانواده ریخته بودید اما یک عامل محیطی یا انسانی آن را برهم ریخت تصور کنید. چیزی شبیه اینکه یک هفته پر از کار و فعالیت درپیش دارید اما ناگهان کرونا شما را به قرنطینه می‌کشد و از همه کارها بازمی‌دارد. در این مواقع رفتار و عکس‌العمل شما چگونه است؟ عده‌ای بعد از چنین تحمیل و به‌هم‌ریختگی برنامه‌ها زانوی غم بغل می‌گیرند و با خود می‌گویند« همه برنامه‌ریزی‌هایم نقش بر آب شد.» یا «حالا باید چطور آن را جبران کنم.» یا «لعت به این اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی» حتی عده‌ای آنقدر در انکار شرایط جدید می‌مانند که به‌رغم محدودیت چون برنامه ریخته‌اند مانع را نادیده می‌گیرند. مثلاً برای سفر برنامه ریخته‌اید و هواشناسی اعلام می‌کند بارندگی است و عده‌ای کلاً بارندگی را نادیده می‌گیرند!

همه این واکنش‌ها یعنی گویی شما «توانایی پاسخگویی در لحظه را ندارید». یعنی «پذیرش» در شما کاهش یافته است. پذیرش یعنی اینکه من مسئول انتخاب‌هایم هستم و پیامدهایش را می‌پذیرم و می‌توانم با انعطاف به موقعیت‌ها پاسخ دهم. اگر شما دیروز بدون پیش‌بینی وضع هوا برای سفر برنامه‌ریزی کرده‌اید مسئولیت اینکه باران امروز برنامه‌هایتان را به هم زند بپذیرید چون هرچه امروز سر راه شماست نتیجه انتخاب دیروز شماست. اگر انتخاب کرده‌اید در اجتماع به‌رغم شیوع کرونا حاضر باشید- به اجبار یا انتخاب- مسئولیت اینکه کرونا شما را روزهایی خانه‌نشین کند بپذیرید. اگر بعد از هر اتفاق غیرمنتظره در حال سرزنش چیزی بیرون از خودتان هستید، راهی به سوی عامل بودن پیدا نمی‌کند که عامل بودن اتفاقاً کنترل زندگی را بسیاری در دستانتان قرار می‌دهد چون اگر متوجه این واقعیت شوید که آنچه امروز هستید در زنجیر زنتیک شما نیست، در زنجیر محیطی که در آن کودکی‌تان گذشته نیست، در زنجیر خلق و خوی پدر و مادران نیست، در زنجیر غیرقابل پیش‌بینی‌ها نیست، آن‌وقت می‌توانید خلاقانه برای هر روز زندگی متعطف برنامه بریزید. بله از نظر علم روانشناسی قطعاً بخشی از سازوکار روانی، رفتاری و حتی شناختی شما تابعی از گذشته و خارج از اختیارتان است اما همین علم معتقد است با شناخت گذشته می‌توان از گره‌های گذشته نیز نجات یافت.

حالا فرد عامل یا سازگار وقتی ناگهان با کرونا روبه‌رو می‌شود با پذیرش مسئولیت، برنامه خود را به آنچه در قرنطینه می‌تواند انجام دهد تغییر می‌دهد. اگر باران بیاید شاید مسیر سفر را با کمی خلاقت تغییر دهد. افرادی که مسئولیت‌پذیر نیستند عموماً واکنشی هستند یعنی مدام در حال واکنش به محیط و دیگران هستند و کمتر به درون خودشان، اهداف و ارزش‌هایشان رجوع می‌کنند. آنها همیشه ابر و باد و مه و خورشید و فلک را در این کار می‌بینند که برنامه‌هایشان را به هم بریزد. بله ما مدام مجبور به واکنش نسبت به شرایط پیرامون هستیم اما فرق است بین احساسی واکنش نشان دادن که بیشتر معطوف به فعال کردن مکانیسم‌های دفاعی ناسازگار است یا آگاهانه انتخاب کردن واکنش. وقتی باران می‌آید طبیعی است آن را انکار کنید و برنامه سفر را پیش ببرید ممکن است در مسیر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شوید اما اگر آگاهانه انتخاب کنید که سفر را به تعویق بیندازید یا مقصد را تغییر دهید یعنی کسی خارج از شما نوانسته بر شما مدیریت کند. هیچ چیز همچنان‌انگیزتر از این نیست که بتوانید با چالش‌های محدودیت‌هایی که در مسیر برنامه‌ریزی‌های روزمره‌تان پیش می‌آید، واکنش مناسب را انتخاب کنید. استفان کاوی متخصص مشاوره «رهبری مبتنی بر اصول» معتقد است هر کس نتواند حلقه نفوذ خود را بزرگ‌تر از حلقه نگرانی‌هایش کند، می‌تواند عاملیت خود را افزایش دهد. یعنی فرد نتواند وقت و انرژی خود را صرف چیزهایی کند که می‌تواند انجام دهد، بپذیرد برخی موقعیت‌ها خارج از کنترل او است و وقت خود را صرف نگرانی بابت آنها نکند!

